

نحوه‌ی شکل‌گیری وابستگی در یک همشیر دوقلو: مطالعه‌ی روایتی How Dependency Forms in a Cotwin: A Narrative Study

Atefeh Zangiabadi

M. A. student, Faculty of Psychology and Education Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

Dr. Mohammad ali Besharat*

Full professor, Department of Psychology, Faculty of Psychology and Education Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

besharat@ut.ac.ir

Dr. Keyvan Salehi

Assistant Professor, Department of Curriculum Development and Instruction Methods, Faculty of Psychology and Education Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

عاطفه زنگی آبادی

دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

دکتر محمدعلی بشارت (نویسنده مسئول)

استاد گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

دکتر کیوان صالحی

استادیار گروه روش‌ها و برنامه‌های آموزشی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Abstract

The aim of this study is to investigate and analyze the life story of twins by focusing on how the dependency between them forms and its consequences on various aspects of their lives. For this purpose, an in-depth interview was conducted with a 26-year-old girl cotwin. The data were analyzed using the narrative method. Findings on four themes of "unique relationship", "fusion", "individualization", and "fusion consequences" explained the formation of dependency and fusion in twins, the inability of separation and acquiring individuality, and limitations in relationships with peers. Twins have a unique relationship, they considered their cotwin to be the most important person in their lives. Their close and permanent relationship is so strong that a fusion of identity and personality is formed as a consequence. Separation and differentiation are some of the most important challenges in their lives. Generally, according to this case, it can be said that dependency is one of the most influential issues in the lives of twins. It can cause injuries in various aspects; Therefore, there is a tendency towards individuality found in twins.

چکیده

هدف از مطالعه‌ی حاضر بررسی و تحلیل روایت زندگی دوقلوها با تمرکز بر نحوه شکل‌گیری وابستگی بین آن‌ها و پیامدهای آن بر جنبه‌های مختلف زندگی بود. به همین منظور در این مطالعه با یک همشیر دوقلوی دختر ۲۶ ساله مصاحبه عمیق انجام شد. داده‌ها با استفاده از فن تحلیل مضمون، مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها با محوریت چهار مضمون "رابطه منحصر به فرد"، "در هم آمیختگی"، "فردیت"، و "آثار در هم آمیختگی"، نحوه‌ی شکل‌گیری وابستگی و در هم آمیختگی در دوقلوها، ناتوانی در جدایی و کسب فردیت و محدودیت در روابط با همسالان را آشکار نمود. دوقلوها در رابطه‌ای منحصر به فرد قرار دارند و همشیر دوقلوی خود را مهم‌ترین فرد زندگی خود می‌دانند. رابطه‌ی نزدیکی و مداوم آن‌ها به حدی است که در هم آمیختگی هویت و شخصیت در آن‌ها شکل می‌گیرد؛ به نحوی که جدایی و تمایز، یکی از چالش‌های مهم زندگی آن‌هاست. در نهایت طبق روایت‌های برآمده از مصاحبه‌های انجام شده با یکی از همشیرهای دوقلو، می‌توان نتیجه گرفت که وابستگی از عمده‌ترین مسائل تأثیرگذار در زندگی دوقلوهاست و در صورت بروز هر گونه افراط یا تفریط، این احتمال وجود دارد، که سلامت جسمی و روانی آن‌ها با مخاطره جدی همراه شود؛ به همین دلیل نوعی تمایل به فردیت در آن‌ها وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: روایت پژوهی، دوقلو، وابستگی

Keywords: Narrative Inquiry, Twin, Dependency

ویرایش نهایی: دی ۱۴۰۰

پذیرش: مرداد ۱۴۰۰

دریافت: خرداد ۱۴۰۰

نوع مقاله: تحلیلی

دوقلوها رابطه منحصر به فردی با یکدیگر دارند و صمیمیت خاصی بین آن‌ها وجود دارد (فریدمن، ۲۰۰۸). خواهر و برادران دوقلو از زمان بارداری رابطه خود را آغاز می‌کنند و نسبت به خواهران و برادران غیردوقلو، مقدار بسیار بیشتری از زندگی اولیه را باهم سپری می‌کنند و این همراهی در طول زندگی آن‌ها به صورت دائم وجود دارد (کاستلو و همکاران، ۲۰۱۰؛ تورپ و دنی، ۲۰۰۶؛ تورپ، راتر و گرینوود، ۲۰۰۳). حضور مداوم هم‌شیر دوقلو برای هم‌شیر دیگر او را به یک فرد مهم در زندگی تبدیل می‌کند. این حضور، آرام‌بخش و تسکین‌دهنده است و موجب شکل‌گیری وابستگی طولانی مدت بین آن‌ها می‌شود (آین سلی، ۱۹۸۵؛ پنینکی لامپی - کرولا، مویلانن و کاپریو، ۲۰۰۵). وابستگی بین دوقلویی از مهم‌ترین جنبه‌های خاص روابط بین دوقلوها است (مویلانن، ۱۹۸۷) که موجب ناتوانی در کسب فردیت می‌شود. (سیمون، ۱۹۸۰؛ آدلمن و سیمون، ۱۹۸۶؛ تریاس، ۲۰۰۶). علاوه بر این دوقلو بودن تأثیرات منفی بر رشد اجتماعی آن‌ها می‌گذارد (تورپ، ۲۰۰۳؛ دیلا و کاراوی، ۲۰۰۴؛ تورپ و دنی، ۲۰۰۶).

به‌رغم منحصر به فرد بودن روابط دوقلوها و شرایط متفاوت رشدی آن‌ها، تأثیراتی که دوقلو بودن در تعاملات آن‌ها در زمینه‌ی فردی، خانوادگی و اجتماعی دارد و خلأ پژوهشی بسیار عمیقی که در مورد این گروه خاص در ایران وجود دارد، در بیشتر تحقیقات، به نوعی از این گروه برای اثبات وراثتی بودن و محیطی بودن یک ویژگی استفاده‌ی ابزاری شده است و به دوقلوها به طور خاص به عنوان پدیده‌های جالب توجه، در تحقیقات روان‌شناختی توجه چندانی نشده است. با این وجود پژوهش‌های خارجی بسیاری در زمینه دوقلوها انجام شده است. تعدادی از آن‌ها با روش‌های کمی و کیفی به مشکلات خانواده‌های دارای فرزند دوقلو، فرزندپروری دوقلوها و تفاوت آن با فرزندپروری غیردوقلوها پرداخته‌اند. (اولیونز، ۲۰۰۵؛ دوی وهاندیانی، ۲۰۱۶؛ پرینو و همکاران، ۲۰۱۶؛ کروگنولا و همکاران، ۲۰۲۰؛ مونکدیک و همکاران، ۲۰۲۰؛ اندرسون و همکاران، ۲۰۱۷؛ گولینگ، ۲۰۲۰). همچنین پژوهش‌های کمی و کیفی دیگری به رابطه بین دوقلوها، دلبستگی بین آن‌ها، جدایی و تعارض‌های بین آن‌ها و روابط دوقلوها با سایر خواهر و برادرها اشاره کرده‌اند (فریلی، ۲۰۱۱؛ گروسوزکا، ۱۹۹۸؛ گرینوود، ۲۰۱۸). اما خلأ پژوهشی در این زمینه در ایران بسیار محسوس است.

همان‌طور که گفته شد دوقلوها از سنین پایین کودکی از همراهی با یکدیگر لذت می‌برند و در این میان دوقلوهای هم‌سان نسبت به ناهم‌سان وابستگی و نزدیکی بیشتری به هم دارند. همچنین نزدیکی و وابستگی دوقلوهای ناهم‌سان از خواهران و برادران غیردوقلو بیشتر است. با توجه به این که دوقلوها دائماً با هم‌شیر خود در ارتباط‌اند، معمولاً به صورت متقابل و با شدت برابر با هم‌شیر خود همانند سازی می‌کنند (فورتونا، گلدنر و کنافو، ۲۰۱۱). بنابراین دوقلوها با فردی همانند سازی می‌کنند که سطح رشدی برابری با آن‌ها

- 1 Friedman
 2 Thorpe & Danby
 3 Greenwood
 4 Penninkilampi-Kerola
 5 Moilanen
 6 Kaprio
 7 Siemon
 8 Adelman & Siemon
 9 DiLalla & Caraway
 1 Thorpe K. & Danby
 1 Olivennes
 1 Dewi & Handayani
 1 Prino et al.
 1 Crugnola et al.
 1 Mönkediek et al.
 1 Anderson et al.
 1 Gowling
 1 Fraley
 1 Tancredy
 2 Gruszewska
 2 Monozygotic
 2 Dizygotic
 2 Fortuna, Gldner& Knafo

- 0
 1
 2
 3
 4
 5
 6
 7
 8
 9
 0
 1
 2
 3

دارد؛ به همین دلیل ممکن است نسبت به همانند سازی با والد یا فردی بالغ که چهره همانند سازی محسوب می‌شود، منجر به رشد کمتری شود (لفونارد^۲، ۱۹۶۱؛ سیمون، ۱۹۸۰).

همسوسو با این نتایج، فورتونا^۳ و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی کمی نزدیکی^۴، تعارض^۵، وابستگی و رقابت^۶ را در ۱۲۸۱ جفت دوقلوی سه‌ساله مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها رابطه دوقلوها را بر اساس همسان/ناهمسان بودن و ترکیب جنسیتی دوگانه مقایسه کردند. نتایج نشان داد که دوقلوه‌های همسان نسبت به دوقلوه‌های ناهمسان نزدیکتر و وابسته‌ترند. دوقلوه‌های همجنس نیز وابستگی کمتر و تعارض و رقابت بالاتری نسبت به دوقلوه‌های غیرهمجنس را گزارش کردند. در این پژوهش در مقایسه با یک نمونه هم‌تا از ۸۴ خواهر و برادر غیردوقلو، دوقلوه‌های ناهمسان نزدیک‌تر و وابسته‌تر به هم توصیف شدند. دوقلوه‌ها نزدیکی و تعارض را همیشه تجربه می‌کنند؛ اما یافته‌ها نشان می‌دهد، مادران نزدیکی بین دوقلوها را بسیار بالاتر از میانگین گزارش کردند. دوقلوها در این سن به دنبال همراهی یکدیگر هستند و از این همراهی لذت می‌برند. علاوه بر این نتایج حاکی از این بود که خواهر و برادران غیردوقلویی که فاصله سنی کمی دارند به طور قابل توجهی رقابت بیشتری نسبت به دوقلوها داشتند، در حالی که دوقلوه‌های هم‌سان و ناهم‌سان در این زمینه هیچ تفاوتی نداشتند. بنابراین، به نظر می‌رسد چیزی فراتر از شباهت ژنتیکی موجب متمایز شدن دوقلوها از دیگران می‌شود و ویژگی منحصر به فردی در مورد پیوند دوقلوها وجود دارد که باعث نزدیکی، اتکا^۷ و پذیرش نیازهای دیگری می‌شود؛ حتی نیازهایی که با نیازهای شخصی فرد در تعارض است.

با وجود این ویژگی‌های منحصر به فرد در روابط دوقلوها، پژوهش‌ها نقش به‌سزای فرزندپروری را در شکل‌گیری وابستگی بین آن‌ها نشان می‌دهند. نتایج پژوهشی گزارش می‌دهند والدینی که می‌خواهند دوقلوهایشان، مشابه باشند، با دوقلوه‌های خود به شیوه یکسان در فعالیت‌های روزمره رفتار می‌کنند، تا کودکان نسبت به یکدیگر حسادت نداشته باشند. اگر والدین رفتارهای متفاوتی را در مورد کودکان ارائه دهند، دوقلوها غالباً به بحث و دعوا می‌پردازند. نگرش والدین به دوقلوها نباید همیشه افراطی باشد، به این صورت که همیشه باید به یک نوع رفتار عادت کنند و در هر فعالیتی در کنار هم باشند؛ این می‌تواند برای یکی از دوقلوها مضر باشد. زیرا یک کودک معمولاً به سایه دیگری تبدیل می‌شود، کمتر مستقل می‌شود و اعتماد به نفس کمتری پیدا می‌کند. اگر والدین زمینه را به گونه‌ای فراهم کنند که دوقلوها به شیوه منحصر به فرد رفتار کنند، منجر به ایجاد اعتماد به نفس بالا، یک مفهوم خود مثبت، جرأت تصمیم‌گیری آن‌طور که خودشان دوست دارند، پذیرش اختلافات، استقلال و توانایی معاشرت خوب می‌شود (دوی^۸، ۲۰۱۶). مادران دوقلوها ممکن است دوقلوها را به عنوان واحد خطاب کنند و نسبت به افراد غیردوقلو و خواهر و برادرشان وقت کمتری را با آن‌ها بگذرانند (تورپ، راتر و گرینوود، ۲۰۰۳). انجام این کار ممکن است به نزدیک شدن دوقلوها به یکدیگر منجر شود و روابط والدین و فرزند را دچار مشکل کند (فریلی و تانکریدی^۹، ۲۰۱۱).

پیوند بی‌نظیر بین دوقلوها و پیامدهای تجربه نزدیکی در کودکی بر روی هویت هر دوقلو در بزرگسالی یکی از مسائل مورد نظر محققان بوده است. این سؤال که آیا بین دوقلوه‌های همجنس و غیرهمجنس و همچنین همسان و ناهمسان تفاوتی وجود دارد؟ میزان نزدیکی در رابطه دوقلوها در کودکی بر هویت آن‌ها در بزرگسالی تأثیرگذار نیست. بلکه افزایش وابستگی به همشیر دوقلو در دوران کودکی با میزان وابستگی بیشتر به دیگران، درهم‌آمیختگی بیشتر با آنان، میزان تمایز خود کمتر و شکل‌گیری هویت در بزرگسالی ارتباط دارد. در نمرات هویت در دوقلوه‌های همجنس، غیرهمجنس، همسان و ناهمسان تفاوتی وجود ندارد. در زمینه نزدیکی بین دوقلوه‌های همجنس، غیرهمجنس، همسان و ناهمسان نیز تفاوتی مشاهده نشده است (اولنی^{۱۰}، ۲۰۱۹).

1 Identification figure
2 Leonard
3 closeness
4 Fortuna
5 Conflict
6 rivalry
7 reliance
8 Davi
9 Haley & Fancredy
10 Ohey

How Dependency Forms in a Cotwin: A Narrative Study

از دیگر پیامدهای وابستگی بین دوقلوه‌ها نوعی در هم آمیختگی^۱ در آن‌هاست. دوقلوه‌ها گزارش کرده‌اند که هر یک از آن‌ها بخشی از دیگری است، همیشه همشیر دوقلوی خود را نزدیک خود احساس می‌کنند و او همیشه درون روان آن‌ها حضور دارد. شرلی به این نتیجه رسید اگر دوقلوه‌های غیرهمجنس برای آرامش و امنیت^۲ بیش از مادرشان به یکدیگر روی آورند، ممکن است نیازی به شناسایی و ابراز احساسات نباشد. آن‌ها حتی در بزرگسالی همدیگر را در سطح پیش‌کلامی^۳ درک می‌کنند. اما وقتی صحبت از ارتباط با شخص سوم می‌شود، شناخت و ابراز احساسات ضروری است. دوقلوه‌های غیرهمجنس ممکن است یاد نگرفته باشند که چگونه این کار را انجام دهند (شرلی، ۲۰۱۶^۴).

بنابر پژوهش‌های انجام شده، وابستگی یکی از مسائل مهمی است که دوقلوه‌ها در زندگی و روابط خود تجربه می‌کنند و آثار مختلفی بر زندگی آن‌ها دارد. با توجه به پژوهش‌های محدود کیفی بر روی دوقلوه‌ها و خلأ درک عمیق از مسائل آن‌ها، در این مطالعه نحوه‌ی شکل‌گیری این وابستگی از دیدگاه یک همشیر دوقلو برای درک هرچه عمیق‌تر زندگی آن‌ها، به روش روایتی بررسی شده‌است.

روش

داستان این مطالعه در دو بُعد زمانی و بُعد شخصی و اجتماعی (تعاملات) روایت شده است. تجربه یک فرد را فقط می‌توان در متن گذشته (داستان رو به عقب)، حال و داستان آینده‌نگر، که راهنمای عمل است، درک کرد (نلسون، ۲۰۰۲^۵). بُعد شخصی به شرایط درونی فرد، امیدها، احساسات، عکس‌العمل‌های زیبایی‌شناختی و ویژگی‌های اخلاقی فرد اشاره دارد. منظور از امر اجتماعی، محیط، اجتماع و روایت مسلط است که می‌تواند قدرت‌دهنده یا ناتوان‌کننده باشد. در مطالعه حاضر با استفاده از تحلیل مضمون به تحلیل روایت‌های زندگی یک همشیر دوقلوی دختر ۲۶ ساله مجرد ساکن کرمان با تحصیلات لیسانس پرداخته شد. میدان این مطالعه، انجمن دوقلوه‌های قلب‌های هم‌سان کرمان بود. برای انجام این مطالعه به شیوه هدفمند از یکی از هم‌شیرهای دوقلو که در این انجمن عضویت داشتند، دعوت به همکاری شد. پس از اعلام موافقت برای شرکت در مطالعه، رضایت‌نامه به شیوه کتبی و شفاهی از شرکت‌کننده گرفته شد. داده‌ها با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته^۶ جمع‌آوری شد. بدین صورت که از شرکت‌کننده سؤالاتی در مورد تجربه‌ی او از دوقلو بودن، نحوه شکل‌گیری وابستگی و پیامدهای آن در روابط بین شخصی‌اش پرسیده شد. بعد از پرسیدن هر سؤال، سؤال‌های پیگیرانه دیگری نیز در کنار آن‌ها برای درک تجارب شرکت‌کننده در حین مصاحبه مطرح می‌شد. در حین انجام مصاحبه پژوهشگر با پرسش سؤال‌های راهنما، صحت برداشت خود را از گفته‌های مصاحبه‌شونده کنترل کرده است. مبتنی بر خلاصه و کاستی‌های موجود در پیشینه پژوهش در زمینه فرزندپروری و رابطه دوقلوه‌ها با والدین، رابطه دوقلوه‌ها با یکدیگر، رابطه دوقلوه‌ها با سایر خواهر و برادرها و رابطه آن‌ها با دوستان و همسالان و با محوریت هدف‌های مطالعه، سؤالات مصاحبه تدوین و رواسازی شد. علاوه بر این با توجه به این که نویسنده اول خود داری ملاک‌های دوقلو بودن، دختر بودن، سن بین ۲۰ تا ۳۰ سال و داشتن حداقل یک خواهر یا برادر دیگر بود، از روش سرگذشت‌نویسی نیز به منظور سرنخ دادن برای طراحی سؤالات مصاحبه استفاده شد. لازم به ذکر است که از سرگذشت‌نویسی تنها برای ایده گرفتن برای طراحی سؤال استفاده شد. به منظور جلوگیری از سوگیری، سؤالات در اختیار دو متخصص دیگر نیز قرار داده شد تا اگر جهت‌گیری خاصی در سؤالات وجود دارد، برطرف شود و اگر لازم است سؤالات دیگری که ممکن است پژوهشگر مطرح نکرده باشد، به مصاحبه اضافه شود. در فرایند تحلیل داده‌ها نویسنده اول به عنوان مصاحبه‌کننده تلاش کرد تا از راهبردهای مرور مشارکت‌کننده^۷، مرور متخصصان^۸ استفاده شود. به گونه‌ای که علاوه بر کنترل یافته‌ها از سوی استادان راهنما و مشاور، در مراحل مطالعه تلاش شده تا با پرسیدن سؤال‌های راهنما، صحت برداشت خود را از گفته‌های مصاحبه‌شونده کنترل نمایم. همچنین در انتها هم یافته‌ها به شرکت‌کننده

1 Fusion

2 Psyche

3 Comfort

4 Security

5 Pre-verbal

6 Shirley

7 Nelson

8 Semi-structured interview

9 Member check

1 Peer check

داده شد و از ایشان خواسته شد ضمن بررسی، دیدگاه‌شان را درخصوص تعدیل و تکمیل موارد احتمالی اعلام نمایند. بدین وسیله تلاش شد تا آنجا که ممکن است از ذهنیت کاسته شده و به شیوه‌ای کنترل شده به گردآوری و تحلیل داده‌های قابل اتکا پرداخته شود. در ادامه به نمونه‌هایی از سؤالات مصاحبه اشاره خواهد شد:

- دوقلو بودن برای تو چه معنایی دارد؟

- نظرت در مورد استقلال و وابستگی بین دوقلوها چیه؟

- به نظر تو استقلال و وابستگی چه پیامدهایی در روابط بین دوقلوها ایجاد می‌کنه؟

مصاحبه‌ی طولانی در مدت حدود ۱۲۰ دقیقه منجر به مقدار زیادی مطالب شد. تجزیه و تحلیل مطالب شامل خواندن و بازخوانی متن رونویسی، تحلیل داستان برای درک تجربه‌های زندگی شده و سپس بازگو کردن داستان بود. بر اساس نظریه لینکن و گوبا^۱ (۱۹۹۴)، در این مطالعه تلاش شد به منظور ارتقای اشباع معنی از راهبردهایی نظیر درگیری طولانی‌مدت^۲، تو صیف غنی و جامع^۳، مرور متخصصان^۴، شناسایی و کنترل سوگیری‌های احتمالی پژوهشگران^۵، مرور مشارکت‌کنندگان و مخاطبان بیرونی^۶ استفاده شد، می‌توان اشباع نظری بدست آمده را مناسب و معتبر فرض نمود. برای تضمین اعتبار نتایج، درگیری مداوم با موضوع مورد مطالعه حفظ شود، نظرات متخصصان در حین و پس از تحلیل داده‌ها در نظر گرفته شود و خودبازبینی‌های مکرر به صورت مرور چندباره کدها و مضامین در حین جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها انجام شود.

یافته‌ها

این مطالعه با شرکت یکی از همشیران دوقلوی دختر ۲۶ ساله شهر کرمان انجام شد که در خانواده‌ای ۶ نفره شامل سه خواهر و یک برادر زندگی می‌کند. او یک خواهر دوقلو و یک خواهر کوچکتر از خود و یک برادر بزرگتر دارد. اذعان می‌کند که همه دوران زندگی‌اش را به همراه خواهر دوقلوش طی کرده و در تمامی مراحل زندگی به او چسبیده بوده است. در دوران کودکی از جدایی از یکدیگر به شدت آشفته می‌شدند و طاقت دوری از هم را نداشتند. در دوران دبستان وقتی برای اولین بار از مادر جدا شده مادرش به او تأکید کرده که چون خواهرش هست، نیازی به دوست نخواهد داشت. او می‌گوید در مدرسه دائماً از یکدیگر حمایت می‌کرده‌اند و دوست صمیمی زیادی نداشته‌اند. هنگام انتخاب رشته دانشگاه تمام تلاشش را کرده تا از خواهرش جدا نشود و وقتی این امکان فراهم نبوده به پیشنهاد مادرش به دانشگاه غیرانتفاعی رفته تا از خواهرش دور نباشد. برای پیدا کردن شغل به اداراتی درخواست می‌داده که دو نفر نیروی کار می‌خواستند و اگر شرایط اشتغال به همراه یکدیگر را نداشتند از آن شغل صرف نظر کرده است. همچنین یک فرصت برای رفتن به خارج از کشور داشته که باز هم برای ماندن کنار خواهرش آن را نادیده گرفته است. ازدواج و جدایی بعد از آن را بسیار سخت می‌داند و هنگام خواستگار آمدن برای خواهرش با چالش بسیار جدی مواجه شده‌اند که سرانجام هم با جواب رد به آن خواستگار به پایان رسیده است. از نظر او مادرش آن‌ها را به هم وابسته با آورده و باعث شده نتوانند جدایی از همدیگر را تاب بیاورند. می‌گوید مادرش وقتی آن‌ها را با هم و به شکل یکسان می‌بیند واکنش مثبت زیادی نشان می‌دهد و همیشه اصرار می‌کند که با هم کارهایشان را انجام دهند و کنار هم باشند و اگر جایی مشکلی از این جهت به وجود بیاید، به این دلیل که خودش آن‌ها را به هم وابسته کرده، راه حلی برای جدا نشدن آن‌ها پیش پایشان گذاشته است. این همشیر دوقلو از وابستگی و مشکلاتی که در زندگی‌اش به وجود آورده شکایت دارد و دلش می‌خواهد راه حلی برای این مسئله پیدا کند.

رابطه بین دو همشیر دوقلو یک رابطه منحصر به فرد است و وابستگی یکی از مهم‌ترین چالش‌های آن‌هاست که با آن دست و پنجه نرم می‌کنند (تریاس، ۲۰۰۶). بر اساس روایت شرکت‌کننده این مطالعه، در طول زندگی زمینه‌هایی برای در هم آمیختگی بین دوقلوها توسط والدین و اطرافیان شکل می‌گیرد. این وابستگی شکل گرفته در رابطه بین دو همشیر دوقلو، به تدریج موجب به وجود آمدن مسائلی

1 Lincon & Guba

2 raining saturation

3 prolonged engagement

4 Thick and rich description

5 peer review or debriefing

6 clarifying researcher bias

7 external audits

How Dependency Forms in a Cotwin: A Narrative Study

در زندگی آن‌ها می‌شود که حتی آثارش در روابط دیگر از جمله رابطه با والدین، سایر خواهر و برادرها و دوستان دیده می‌شود. حالا بزرگ سالان دوقلو به این وابستگی آگاهند و تمایل به تمایز و فردیت دارند اما قادر به حل و فصل آن نیستند و نگرانی‌هایی دارند که به این مسئله گره خورده است. یافته‌های این مطالعه شامل توصیف دقیق این فرایند است و بر مضامین "رابطه منحصر به فرد"، "در هم آمیختگی"، "فردیت" و "آثار در هم آمیختگی" تمرکز دارد. فرایند شکل‌گیری وابستگی با تأکید بر این مضامین، از ابتدا تا انتها به همراه مثال‌هایی از روایت زندگی یک همشیر دوقلو توصیف شده است.

۱. ابتدا: مصاحبه شونده می‌گوید بسیاری از مشکلاتی که امروز به عنوان یک دوقلو تجربه می‌کند به علت برخورد نادرست مادر در کودکی است. او به تأثیر مهم سبک تربیتی در وابستگی به همشیر دوقلویش اشاره می‌کند و می‌گوید مادرش از کودکی لباس‌های شبیه به هم به تن آن‌ها می‌کرده و آن‌ها را کنار هم می‌خوابانده. از خاطره‌ای در شیرخوارگی‌اش می‌گوید که مادرش برای این که نمی‌توانسته هر سه فرزندش را با خودش به سفر کوتاهی که به یکی از شهرستان‌های کرمان می‌رفته، ببرد، یکی از دوقلوها را به خانه خاله‌شان برده. هیچ یک از دوقلوها آن شب را نخوابیدند و گریه می‌کردند و دنبال خواهر دوقلوی خود می‌گشتند. بعد از این که به یکدیگر رسیدند از فرط بی‌خوابی ۴۸ ساعت خواب بودند. یکی دیگر از خاطرات کودکی‌اش مربوط به سال اول دبستان است؛ زمانی که می‌خواستند به مدرسه بروند مادرش به آن‌ها گفته شما یکدیگر را دارید و نیاز به دو ست ندارید که تأثیر این‌گونه رفتارها در زندگی بزرگسالی آن‌ها به وضوح دیده می‌شود. حادثه مهم دیگر در گذشته مربوط به دوران دبیرستان است؛ زمانی که کلاس‌هایشان برای اولین بار در مدرسه جدا شد و مادرش با مراجعه به مدرسه گفته است اگر کلاس‌هایشان را جدا کنند آن‌ها را از این مدرسه خواهد برد! او فکر می‌کند اگر مادرش از کودکی برای آن‌ها مرزی قائل می‌شد یعنی به آن‌ها توضیح می‌داد که اگر لباس مثل هم نپوشند و اگر به تنهایی بیرون بروند اتفاقی نمی‌افتد، یا اگر فاصله بیشتری بین آن‌ها ایجاد می‌کرد، برای مثال آن‌ها را در مدارس جداگانه‌ای ثبت نام می‌کرد، دچار سختی‌ها و مشکلاتی که در حال حاضر با آن مواجه هستند، نمی‌شدند.

۲. میانه: مصاحبه‌شونده به مشکلات دوقلو بودن اشاره می‌کند که می‌توان ریشه آن‌ها را در کودکی و درهم‌آمیختگی با همشیر دوقلویش که از آن زمان شکل گرفته و در طول زندگی نیز ادامه داشته است، جست و جو کرد. خود درهم‌آمیخته یکی از مفاهیمی است که از روایت این فرد استخراج شده است؛ به این معنی که خواهر دوقلویش را مکمل خود می‌داند، معتقد است که بدون او صفر است، آینه‌ای برای یکدیگر هستند و در واقع خواهر دوقلویش، خود اوست. در ادامه به مشکلاتی که به نوعی پیامدهای این وابستگی و درهم‌آمیختگی است، اشاره می‌شود. او می‌گوید بعد از ۲۶ سال هنوز به خواهر دوقلوی خود چسبیده است، شغل‌های یکسان دارند، در یک مدرسه تدریس می‌کنند و یک سالی که به اجبار از یکدیگر جدا شدند و در دو مدرسه متفاوت مشغول به کار بودند، برایش بسیار سخت بوده است، حتماً باید سرش را کنار خواهرش بگذارد تا بتواند بخوابد، بدون حضور او حتی سر کوجه نمی‌رود، همه کارها را در حضور خواهر دوقلویش انجام می‌دهد و فکر می‌کند بدون حضور او یک نوزاد دست و پا چلفتی است که تازه راه رفتن را یاد گرفته است، اگر او نباشد کارها را تا زمان حضور خواهر دوقلویش به تأخیر می‌اندازد. هنگام غذا خوردن باید تعداد فاشق‌های مساوی غذا بخورد؛ حتی اگر یکی از آن‌ها هنوز گرسنه باشد!

همیشه همه تصمیم‌گیری‌هایش را به همراه خواهر دوقلویش و با مشورت و هم‌فکری او انجام می‌دهد و معتقد است اگر او نباشد کارها به شکل مطلوب انجام نمی‌شود؛ چون خواهرش همیشه اشتباهات او را به دقت می‌بیند و نقص‌های او را اصلاح می‌کند. همیشه لباس‌های مثل هم می‌پوشند و از این که شبیه هم نباشند حس خوبی ندارند. هنگام خرید و سایل با یکدیگر توافق می‌کنند تا شبیه هم باشند. او از درک نشدن توسط اطرافیان می‌گوید، این که به ازدواجشان با دو برادر اصرار می‌کنند؛ اما از نظر او قرار نیست برای ازدواج آگهی بدهند تا دو برادر پیدا کنند! آن‌ها همچنین در مورد رشته تحصیلی‌شان نظر می‌دهند و اگر مثل هم نباشند مورد سرزنش آن‌ها واقع می‌شوند. دوست دارد مهارت‌های یکسانی داشته باشند تا وقتی در جمع می‌نشینند اطرافیان او را به خاطر نداشتن مهارت مشابه با خواهرش، سرزنش نکنند. به عبارت دیگر دوست دارد در همه زمینه‌ها هم سطح باشند تا دیگران آن‌ها را با یکدیگر مقایسه نکنند. برای مثال می‌گوید:

"اگه یکمونی نتونیم اون کارو انجام بدیم قیدشو میزنیم که تو جمع میخوایم صحبت کنیم مقایسه مون نکنن. بگن عه تو خیاطی بلدی اون بلد نیست؟ این شاید تو دانش یا هنرش اینه که خیاطی رو یاد بگیره. شاید اون تو به چیز دیگه قوی‌تر باشه. از این دیدگاه ما دوقلوها رو نگاه نمیکنن. این جور نگاه میکنن که یکیشون قویه و یکیشون دست و پا چلفتیه، نتونسته خودشو به اون یکی

برسونه. از دید مردم ما این طوری دیده میشییم. ولی خودمون که نگاه میکنیم متوجه میشییم که یکیمون تو حفظیات قوی‌تریم، یکیمون تو اعداد و ارقام قوی‌تریم."

از نظر او مادرش همچنان بر این وابستگی و شباهت با یکدیگر دامن می‌زند و موجب به وجود آمدن آسیب‌های روحی در آن‌ها شده است. برای مثال می‌گوید وقتی هنگام خرید لباس مثل هم می‌پوشییم مادرم ذوق می‌کند؛ حتی اگر آن لباس به ما نیاید. همچنین در مورد این که شبیه هم شدند یا نه، نظر مادرشان را زیاد میپرسند. یکی از مهم‌ترین اتفاقات زندگی او انتخاب رشته است که مادرش در این مورد نیز به درهم‌آمیختگی بیشتر آن‌ها دامن زده است. او در این مورد می‌گوید:

"مامانم که همیشه ما رو به هم وابسته کرده باز این جا اومد خودش برای ما یه پل شد. گفت خب دوتانون قبول نمیشین تو یه دانشگاه اصلا نمیخواد آزمون بدین. بیاین یه کار کنین. برین غیرانتفاعی. هزینه شهریه‌اش بیشتر میشه ولی مطمئنم یه رشته میخونین و مطمئنم از هم دور نمیشین و مطمئنم کمتر آسیب روحی میبینین."

علاوه بر نگرانی مادر از جدایی دوقلوها، به تازگی برادر و پدرش نیز نگرانی‌هایی در مورد جدایی آن‌ها ابراز کرده اند که به گفته او بر ذهنیتشان تأثیرگذار بوده است:

"مامانم! این نگرانی از بچگی هم بوده. همیشه هراس داشت نکنه یکیمون بیفتیم تو چاه‌های و سط کوچه‌ها که درپوش داشتن. این هراس به ما هم انتقال داده شده. این تنها بار منفیه که مامانم اون استرس‌های خود شو به ما هم انتقال داده. ناخوابسته است‌ها... بیچاره هیچ تقصیری نداره؛ ولی خب ناخوابسته چون می‌ترسیده مثلاً ترس جدایی من و خواهرمو داره، این ترس به من و خواهرم هم انتقال داده شده. جالبه بدونین که این ترس جدایی جدیداً به بابام و داداشم هم انتقال داده شده. ترس جدایی ما رو اونا هم جدیداً پیدا کردن. و این شده یه معضل تو خونه ما که من و خواهرم به هر دلیلی از هم بخوایم جدا بشییم چه اتفاقی خواهد افتاد؟ و این مبهمه برای همه تو خونواده ما."

به همین دلیل تجربه‌ی جدایی برای او بسیار دشوار و اذیت‌کننده است و موجب احساس دلتنگی بسیار عمیقی در او می‌شود. غیر از اولین تجربه جدایی در کودکی، مادرش دیگر آن‌ها را از یکدیگر جدا نکرده و همیشه مراقب این بوده که کنار هم باشند تا نگران یکدیگر نشوند. بعد از تجربه جدایی کودکی، دومین تجربه‌اش جدایی در محل کارش بوده و در مدارس جداگانه‌ای تدریس می‌کردند. او جدا شدن از خواهرش را مانند دفن کردن یکی از عزیزانش زیر خاک می‌داند. معتقد است به هیچ وجه با جدایی نمی‌تواند کنار بیاید. در زمان‌های جدایی دائماً با خواهرش تماس می‌گرفته و احوال او را جویا می‌شده. از نظر او وقتی کنار هم باشند می‌تواند از خواهرش محافظت و حمایت کند و وقتی از یکدیگر جدا هستند نگران است که می‌تواند اتفاقی برایش بیفتد و نباشد تا از او مراقبت کند. آن قدر از جدا شدن واهمه دارد که فرصت‌های شغلی و فرصتی که برای رفتن به خارج از کشور برایش فراهم شده را رد کرده است تا کنار خواهرش بماند. در نهایت او جدایی از خواهر دوقلویش را مساوی با مرگ می‌داند و مرگ را به زندگی بدون او ترجیح می‌دهد:

"و به این فکر کردم که اگر دور از جون نباشه من واقعا از خدا آرزو میخوام یا باهم ما رو بیره یا من اون لحظه واقعا در عین واحد خودکشی میکنم. گناه کبیره هم هست ولی واقعا نمیتونم اون لحظه رو درک کنم یا هضمش کنم با خودم که نباشه. بیش از حد برام سخته. فکر میکنم انگار مثل اکسیژنه برام. اگه نباشه اکسیژن منم نیست."

تأثیر این وابستگی در رابطه با خواهر و برادرهایش نیز دیده می‌شود. او رابطه خود با آن‌ها را صمیمی و حمایت‌گراانه توصیف می‌کند، اما همیشه در همه‌ی موارد خواهر دوقلویش را به سایر افراد ترجیح می‌دهد و در اولویت قرار دارد. به عبارت دیگر خواهر دوقلویش مهم‌ترین و دوست داشتنی‌ترین فرد زندگی او است که سایر روابط را بر محور رابطه با او بنا می‌کند. در روایتش به وقت گذراندن کمتر با سایر خواهر و برادرهایش اشاره می‌کند و می‌گوید مشکلات و اختلاف نظر بیشتر و طولانی‌تری با آن‌ها نسبت به خواهر دوقلویش دارد. به بیان خودش برایش اهمیتی ندارد که مشککش با آن‌ها حل شود یا نه و هنگام اختلاف نظر با آن‌ها خواهر دوقلویش همیشه از او طرفداری می‌کند. آن‌ها در رابطه با سایر خواهر و برادرهایشان با یکدیگر ائتلاف می‌کنند و آن‌ها را در رابطه دوقلویی خود راه نمی‌دهند. خواهر کوچکترش همیشه دوست دارد شبیه آن‌ها باشد و از این که نمی‌تواند مانند آن‌ها رابطه نزدیکی را تجربه کند احساس تنهایی و حسادت دارد.

درهم‌آمیختگی بین دوقلوها که از کودکی آغاز شده و به بزرگسالی هم کشیده شده است، به روابط دو ستانه نیز تسری پیدا کرده است. او می‌گوید پیدا کردن دوست برایش دشوار است و در واقع نیازی به دوست ندارد؛ او همشیر دوقلویش را به عنوان بهترین دوستش معرفی می‌کند. همه دوستانشان با یکدیگر مشترک هستند و دوستی مستقل از خواهر دوقلویش ندارد. هنگام انتخاب دوست حتماً نظر یکدیگر را می‌پرسند و در صورتی که آن فرد مورد پسند هر دو باشد، رابطه را با او آغاز می‌کنند. از نظر او یکی از تأثیرات منفی دوقلو

How Dependency Forms in a Cotwin: A Narrative Study

بودن کم بودن تعداد دوستان و محدودیت در روابط دوستانه است. به هنگام بروز مشکل در روابط دوستانه هم همیشه از یکدیگر حمایت می‌کنند حتی اگر از نظر آن‌ها حق با طرف مقابل باشد.

۳. انتها: بر اساس روایت این فرد می‌توان متوجه شد نوعی تمایل به تمایز و فردیت در دوقلوها وجود دارد. مصاحبه‌شونده در صحبت‌های خود به لزوم وجود استقلال، مرز گذاشتن بین دوقلوها و تیکه نکردن دائمی به همشیر دوقلو اشاره می‌کند. از نظر او دوقلوها باید بتوانند با یکدیگر مشورت کنند و از یکدیگر حمایت کنند؛ اما به یکدیگر متکی نباشند. در حال حاضر یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های این فرد هر نوع جدایی از خواهر دوقلویش است که به اقتضای شرایط سنی می‌توان گفت مهم‌ترین نگرانی او، جدایی پس از ازدواج است. از نظر او باید با کسی ازدواج کنند که دوقلو بودن آن‌ها را درک کند و به تدریج از آن‌ها بخواهد از یکدیگر جدا شوند یا لباس شبیه به هم نپوشند. به همین دلیل یکی از افسوس‌هایش این است که ای کاش به خواهر دوقلویش وابسته نبود و یکی از آرزوهای خود را ابداع نوعی مدل تربیتی جدید برای دوقلوها می‌داند تا از آسیب‌هایی که دوقلوها تجربه می‌کنند و از آن جمله وابستگی است، جلوگیری شود.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این مطالعه بر اهمیت روایت در درک هرچه بیشتر دنیای منحصر به فرد دوقلوها تأکید می‌کند. دوقلوها از بدو تولد نوعی همراهی همیشگی و دائمی را تجربه می‌کنند و این زمینه وابستگی را فراهم می‌کند (کاستلو و همکاران، ۲۰۱۰؛ آینسلی، ۱۹۸۵؛ پنینکی لامپی- کرولا و همکاران، ۲۰۰۵). زیرمضمون "رابطه منحصر به فرد" که از صحبت‌های مصاحبه‌شونده به دست آمده است همین موضوع را نشان می‌دهد؛ به این معنی که خواهر دوقلویش نسبت به همه افراد زندگی‌اش اولویت دارد، به طور کامل از علائق او آگاه است و او را به عنوان بهترین شریک و مهم‌ترین دارایی زندگی‌اش معرفی می‌کند. همچنین یافته‌ها در این مورد نشان می‌دهند، مهم‌ترین عامل مؤثر در این وابستگی و درهم‌آمیختگی، شیوه تربیتی آن‌هاست و از نظر او مادر نقش کلیدی در وابسته شدن آن‌ها به یکدیگر دارد و معتقد است ریشه آن به کودکی بر می‌گردد. ادبیات پژوهشی از این نتایج نیز پشتیبانی می‌کند. برای مثال نتایج پژوهش دوی (۲۰۱۶) نشان می‌دهد والدینی که می‌خواهند دوقلوهایشان، مشابه باشند، با دوقلوهایی خود به شیوه یکسان در فعالیت‌های روزمره رفتار می‌کنند، تا کودکان نسبت به یکدیگر حسادت نداشته باشند. اگر والدین رفتارهای متفاوتی را در مورد کودکان ارائه دهند، دوقلوها غالباً به بحث و دعوا می‌پردازند. نگرش والدین به دوقلوها نباید همیشه افراطی باشد، به این صورت که همیشه باید به یک نوع رفتار عادت کنند و در هر فعالیتی در کنار هم باشند؛ این می‌تواند برای یکی از دوقلوها مضر باشد. زیرا یک کودک معمولاً به سایه دیگری تبدیل می‌شود، کمتر مستقل می‌شود و اعتماد به نفس کمتری پیدا می‌کند.

در ادامه زندگی با وجود وابستگی تقویت‌شده توسط مادر و اطرافیان در طول زندگی در این مورد، این فرد و خواهر دوقلویش به انسان‌هایی وابسته تبدیل می‌شوند که نمی‌توانند کارهای خود را به تنهایی انجام دهند، همه تصمیم‌گیری‌ها را به همراه یکدیگر انجام می‌دهند و از جدایی واهمه دارند. همان‌طور که سایمون (۲۰۱۶) در زمینه تفرد- جدایی به این نتیجه رسید، رابطه با همشیر دوقلو در نهایت جزء جدایی‌ناپذیر شخصیت آن‌ها خواهد بود و ممکن است آن‌ها هرگز به روشی که جامعه ترجیح می‌دهد، به فردیت دست پیدا نکنند. جدایی و تفرد ممکن است برای دوقلوها چالش‌برانگیز باشد، اما دیگر نباید به عنوان نشانه‌ای برای سلامت روان آنان محسوب گردد. سایمون عقیده دارد که با درک پیچیدگی‌های دنیای درونی دوقلوها، باید به ساخت اجتماعی موجود در "خود" دوقلوها احترام گذاشت و نیز نباید تلاش کنیم از نظریات سنتی با روش‌های سنتی برای کودکانی غیر سنتی استفاده کنیم. همچنین تأثیر وابستگی بر روابط دوقلوها با سایر خواهر و برادرها و دوستان نیز نشان داده شده است؛ شرلی (۲۰۱۶) در پژوهش‌های کیفی بر روی دوقلوهایی بزرگسال غیرهمجنس بر اساس داستان‌های پاسخ دهندگان، به این نتیجه رسید که دوقلوها هنگام ورود به جامعه و ارتباط با غیردوقلوها با چالش‌هایی مواجه می‌شوند، تمایز و فردیت در جامعه به دلیل عامل دوقلو بودن به طور قابل توجهی پیچیده شده و مشکلات مضاعفی به علت غیرهمجنس بودن آن‌ها وجود دارد. یافته‌های مطالعه تورپ و گاردنر (۲۰۰۵) در مورد روابط دوستانه دوقلوهایی حاکی از آن است که دوقلوهایی همجنس نسبت به دوقلوهایی غیرهمجنس دوستان مشترک بیشتری دارند و دوقلوهایی همسان نیز دو برابر بیشتر از دوقلوهایی ناهمسان همجنس، دوستان خود را به اشتراک می‌گذارند. علاوه بر این دوقلوهایی همسان، دوستان مشترک بیشتری نسبت به

1 Simon

2 Gardner

دوقلوهای غیرهمسان همجنس دارند و دوقلوهای ناهمسان غیرهمجنس همشیر دوقلوی خود را کمتر مطلوب می‌دانند. البته این داده از نظر آماری معنادار نبود. این کودکان در توزیع خود پراکندگی بیشتری داشتند زیرا بیان کرده بودند که فقط در بعضی زمان‌ها دوستان خود را با همشیرشان به اشتراک می‌گذارند. درحالی که چنین داده‌هایی در انواع دوقلوهای همسان و ناهمسان غیرهمجنس وجود نداشت. این یافته‌ها نشان می‌دهد که دوقلوهایی که با یکدیگر متفاوتند اما به صورت مداوم کنار یکدیگر هستند با دشواری‌های بیشتری مواجه خواهند شد. همچنین دیلا (۲۰۱۲) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که برای دوقلوه‌ها احتمال کمبود روابط اجتماعی در کودکی اولیه و میانی وجود خواهد داشت. در همین راستا یک مطالعه اکتشافی (گرینوود، ۲۰۱۸) نیز به تأثیر رابطه دوقلویی بر رابطه با سایر خواهرها و برادرها اشاره می‌کند.

بنابر یافته‌های این مطالعه می‌توان گفت وابستگی جزء جدایی‌ناپذیر زندگی فرد مورد مطالعه و خواهر دوقلویی است و بر جنبه‌های مختلف زندگی و روابط آن‌ها اثرگذار است. روایت یک همشیر دوقلو از فرایند شکل‌گیری وابستگی می‌تواند به درک هر چه بیشتر این مفهوم کمک کند و راه‌هایی برای حل این چالش فراهم آورد. پیشنهاد می‌شود این مطالعه‌ها بر روی جنسیت‌های متفاوت، دوره‌های سنی متفاوت، دوقلوهای همسان و ناهمسان و در مورد موضوعات مختلف دیگر نیز انجام گیرد. همچنین می‌توان این موضوع را در دوقلوه‌ها و غیردوقلوه‌ها مقایسه کرد و افتراقات آن‌ها را در این زمینه بررسی کرد.

استفاده از روش روایتی می‌تواند تجارب ارزشمند فردی را بازنمایی کند که در روش‌های دیگر امکان واکاوی آن نیست؛ روایت‌های دوقلوه‌ها می‌تواند نمایاننده تجربه زیسته و ادراک بسیاری از دوقلوه‌ها باشد و تجربه‌های عمیق آنان را بازنمایی و نظریه‌پردازی کند؛ بنابراین در تحقیقات آینده، توجه ویژه به روش روایتی (روایت‌پژوهی) می‌تواند زمینه‌ای مساعد را برای ارتقا کیفیت شناخت و نظریه‌های حوزه دوقلوه‌ها فراهم نماید.

منابع

- Adelman MB. & Siemon M. (1986). Communicating the relational shift: Separation among adult twins. *Am J Psychother*, 40, 96-109.
- Ainslie, R.C. (1985). *The psychology of twinship*. Lincoln, NE: University of Nebraska Press.
- Anderson, K. N., Rueter, M. A., Connor, J. J., & Koh, B. D. (2017). Observed Mother-and Father-Child Interaction Differences in Families with Medically Assisted Reproduction- Conceived Twins and Singletons. *Family process*, 56(4), 997-1011.
- Friedman (2008). Da Capo Press, Life Long Books, 224 pp., US \$15.95, ISBN 13 978 0 7382 1087 2. *Twin Research and Human Genetics*, 11(2), 240-241.
- Dewi, K. A. & Handayani, S. S. D. (2016). Parenting parents toward the twins in tambakromo pati. *BELIA: Early Childhood Education Papers*, 5(1).
- DiLalla, L. F., & Caraway, R. A. (2004). Behavioral inhibition as a function of relationship in preschool twins and siblings. *Twin Research*, 7, 449-455. doi:10.15294/ijeces.v3i2.9479.
- Fortuna K., Goldner I., & Knafo A. (2011). Twin relationships: A comparison across monozygotic twins, dizygotic twins, and nontwin siblings in early childhood, *Family Science*, 1 (3-4), 205-211. DOI: 10.1080/19424620.2010.569367.
- Fraley, R. C., & Tancredy, C. M. (2011). Twin and sibling attachment in a nationally representative sample. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 38(3), 308-316.
- Gowling SA., McKenzie-McHargK., Gordon C. & Harrison LK (2020). 'Our relationship is different': exploring mothers' early experiences of bonding to their twins, *Journal of Reproductive and Infant Psychology*, DOI: 10.1080/02646838.2020.1726307.
- Greenwood, J. L. (2018). IDENTICAL TWINS WITH SIBLINGS: AN EXPLORATORY STUDY OF THE POTENTIAL EFFECTS OF THE TWINSHIP ON TWINS'RELATIONSHIPS WITH OTHER SIBLINGS. *Sociological Viewpoints*, 32(1), 4-24.
- Gruszewska SA (1998). Creative decomposition of the twin phenomenon. *Clinical Perinatology and Gynecology, Poznari* 24, 103-105.
- Leonard MR (1961). Problems in identification and ego development in twins. *Psychoanal Study Child*, 16, 300-20.
- Lincon, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. Beverly Hills: Sage.
- Mönkediek, B., Schulz, W., Eichhorn, H., & Diewald, M. (2020). Is there something special about twin families? A comparison of parenting styles in twin and non-twin families. *Social science research*, 90, 102-441.

How Dependency Forms in a Cotwin: A Narrative Study

- Nelson H.L. (2002). *Context: backward, sideways, and forward*. In: *Stories Matter: The Role of Narrative in Medical Ethics* (eds Charon, R. & Montello, M.). Routledge, New York, 39-47.
- Olivennes, F., Golombok, S., Ramogida, C., Rust, J., & Follow-Up Team (2005). Behavioral and cognitive development as well as family functioning of twins conceived by assisted reproduction: Findings from a large population study. *Fertility and Sterility*, 84, 725-733. doi:10.1016/j.fertnstert.2005.03.039
- Olney, J. R. (2019). *The Perception of Closeness in Childhood Twin Relationships and Its Influence on Identity Development in Adulthood*, Doctoral dissertation, Alliant International University.
- Penninkilampi-Kerola, V., Moilanen, I., & Kaprio, J. (2005). Cotwin dependence, social interactions, and academic achievement: A population-based study. *Journal of Social and Personal Relationships*, 22, 519-541.
- Prino, L. E., Rollè, L., Sechi, C., Patteri, L., Ambrosoli, A., Caldarella, A. M., ... & Brustia, P. (2016). Parental relationship with twins from pregnancy to 3 months: the relation among parenting stress, infant temperament, and well-being. *Frontiers in psychology*, 7, 1628.
- Crugnola, C., Ierardi, E., Prino, L. E., Brustia, P., Cena, L., & Rollè, L. (2020). Early styles of interaction in mother-twin infant dyads and maternal mental health. *Archives of Women's Mental Health*, 23, 665-671.
- Shirley, O. (2016). The Effects of Opposite-Sex Twinship on the Adult twin. *British Journal Of Psychotherapy*, 32(1), 109-124. doi:10.1111/bjp.12197.
- Siemon M (1980). The separation-individuation process in adult twins. *Am J Psychother*, 34, 387-399.
- Simon, R. (2016). There is no such thing as a baby: Early psychic development in twins. *Contemporary Psychoanalysis*, 52(3), 362-374.
- Thorpe K. & Danby S. (2006). compromised or competent: analyzing twin children's social worlds. *Twin Research and Human Genetics*, 9 (1), 90-94.
- Thorpe K. & Gardner K. (2005). Twins and Their Friendships: Differences between monozygotic, dizygotic same-sex and dizygotic mixed-sex pairs. *Twin research and human genetics*. 6 (6), 532-535
- Thorpe, K., Rutter, M., & Greenwood, R. (2003). Twins as a natural experiment to study the cause of mild language delay: II. Family interaction differences. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 44, 342-355.
- Trias, Tuulikki (2006). *Inter-twin and parent-twin relationships and mental health. A study of twins from adolescence to young adulthood*. Faculty of Medicine, Department of Paediatrics, University of Oulu, P.O.Box 5000, FI-90014.